



چهره به چهره با یک تمساح در باغ وحش استرالیا، عکس از اسپتینیک نبوز



حادثه برای موتور سوار بلژیکی در مسابقات ایتالیا، عکس از تلگراف



مسابقات قایقرانی در کدو تنبل های بزرگ در آلمان، عکس از گاردین

دنیانه روایت تصویر

در محضر بزرگان

عواقب خطرناک افراط در تربیت کودکان

شهید مطهری می فرماید: «در تربیت، تمام قوایی که در وجود انسان هست حکمت و مصلحتی دارند. اگر در ما غرایز شهوانی هست، لغو و عبث نیست. ما باید این غرایز شهوانی را در حد احتیاج طبیعی اشباع کنیم؛ این ها یک حقی دارند. آدم های کج سلیقه ای پیدا می شوند که به خودشان یا به بچه شان که تحت کفالت تربیتشان است، فشار می آورند. احتیاج به بازی در بچه یکی از حکمت های پروردگار است. یک مقدار انرژی در وجود کودک ذخیره است که او فقط به وسیله بازی می تواند این انرژی را دفع کند. انسان اشخاصی را می بیند که نمی گذارند بچه پنج شش ساله برود یا بچه ها بازی کند، هر مجلسی که خودش می رود بچه را هم می برد برای این که تربیت بشود. جلوی خنده او را می گیرد، جلوی خوراک او را می گیرد. بچه بزرگ می شود در حالی که احتیاجات طبیعی وجودش برآورده نشده است، همواره به او گفته اند خدا، قیامت، آتش جهنم. تا در سنین بیست و چند سالگی، این قوای ذخیره شده، این شهوت ها و تمایلات اشباع نشده یک مرتبه زنجیر را پاره می کند، این بچه ای که شما می دیدید در اثر تلقین پدر در ۱۲ سالگی نمازش ۲۰ دقیقه طول می کشید، نماز شب می خواند، دعا می خواند، یک مرتبه می بینید در ۲۵ سالگی یک فاسق و فاجری از آب درمی آید که آن سرش ناپیداست. چرا؟ برای این که شما به بهانه مقامات عالیه روح، سایر غرایز او را سرکوب کرده اید. برگرفته از کتاب «آزادی معنوی»، ص ۱۱۵

پند نیکان



۲۲ ذی الحجه، سالروز درگذشت «ابواسماعیل عبدا... بن ابی منصور محمد» معروف به «خواجه عبدا... انصاری» دانشمند و عارف نامدار است. او یکی از نوایغ ادبی و چهره های شاخص ایرانی و خراسان قدیم در قرن یازدهم میلادی است که به عنوان مفسر قرآن، محدث و استاد اخلاق، دستی بر آتش داشته است. عمده شهرت وی به خاطر فن سخنوری، اشعار و متون نغز و بی ماندش به خصوص در مدح و ثنای خداوند به زبان های عربی و فارسی است.

فراز هایی از مناجات نامه انصاری

« در کودکی پستی، در جوانی مستی، در پیری سستی، پس کی خدا پرستی؟
 * اگر بر هوا پری مگسی باشی و اگر بر دریا روی خسی باشی، دلی به دست آور تا کسی باشی.
 * الهی یکتای بی همتایی و قیوم توانایی، بر همه چیز دانایی و بینایی و بی عیب مصفایی و از شریک میرایی... الهی چون در تو نگرم از جمله تاج دارانم و چون در خود نگرم از جمله خاکسارانم. خاک بر باد کردم و بر تن خود بیداد کردم و شیطان را شاد... الهی در سر خمار تو دارم و در دل اسرار تو دارم و بر زبان اشعار تو، الهی اگر گویم ستایش و ثنای تو گویم و اگر جویم رضای تو جویم... الهی اگر طاعت بسی ندارم اندر دو جهان جز تو کسی ندارم...
 * عیب است بزرگ بر کشیدن خود را / از جمله خلق برگزیدن خود را / از مردمک دیده نباید آموخت / دیدن همه کس را و ندیدن خود را

انگلیش آموزی

نویسنده: میترا اتاتاری، تصویرساز: سعید مرادی



اندک صبر

کولاک عشق!

باید دل من بمیرد و خاک شود تا خاطر تو ز خاطرم پاک شود هرچند که گفته ام برو اما عشق ای کاش که در مسیر کولاک شود

شاهد پنی اسدی

دور دنیا

جیرجیرک هایی که از طلا گران ترند!



بهترین نمونه های این حشره در چین حدود ۷ هزار و ۵۰۰ دلار به فروش می رسند!

غذا دادن به ۳ هزار پرنده در روز!



به پرنده ها شد و تصمیم گرفت زندگی اش را وقف این کار کند. او هر روز به ۲ هزار و ۵۰۰ تا ۳ هزار طوطی و گنجشک غذا می دهد و با وجود سختی هایش عاشق انجام این کار است.

راندگی روی تشک!



ظاهرا این راننده ۳۰ ساله، صندلی های خودرو را بیرون انداخته و چون روی تشک راحت تر بوده، دست به این کار زده است. البته پلیس به علت پایین بودن بیش از حد راننده و سرنشینان و استفاده از تشک، خودرو را متوقف کرده و راننده را به مراجع قضایی استرالیا تحویل داده است.

داستانک

کار راه انداز ترین ۱۰۰ دلاری!

درست هنگامی که همه مردم شهر در يك بدهکاری به سر می برند و هر کدام بر مبنای اعتبارشان زندگی را می گذرانند، مرد ثروتمندی وارد شهر می شود. او وارد تنها هتل شهر می شود، اسکناس صد دلاری را روی پیشخان هتل می گذارد و برای بازدید اتاق هتل و انتخاب آن به طبقه بالا می رود. صاحب هتل اسکناس صد دلاری را برمی دارد و در این فاصله می رود و بدهی خودش را به قصاب می پردازد. قصاب صد دلاری را برمی دارد و با عجله به مزرعه پرورش گوسفند می رود و بدهی خود را به مزرعه دار می پردازد. مزرعه دار صد دلاری را با شتاب به داروغه شهر، که به او بدهکار بود، می رساند و بدهی خود را می پردازد. داروغه اسکناس را با شتاب به هتل می آورد و به صاحب هتل می دهد چون هنگامی که دوستش را يك شب به هتل آورده بود، اتاق را به اعتبار خودش کرایه کرده بود تا بعد پولش را بپردازد. حالا هتل دار اسکناس را روی پیشخان گذاشته است. در این هنگام مرد ثروتمند پس از بازدید اتاق های هتل برمی گردد و اسکناس صد دلاری خود را برمی دارد و می گوید که از اتاق ها خوشش نیامده و شهر را ترک می کند!

وبلاگر اهکارهای مدیریتی

دی روزنامه

استثنائات قانونی و غیرقانونی

آموزش و پرورش اعلام کرده در سال تحصیلی جدید مردان نمی توانند با پراید راننده سرویس مدرسه در تهران باشند و فقط زنان راننده اجازه استفاده از این خودرو را خواهند داشت. کسی که سرش نوی اخبار نیست و در حد شایعات داخل تاکسی و کانال های تلگرامی می داند، با خواندن این مطلب هزار فکر ناجور و نامربوط به ذهنش می رسد. مثل این که چرا آموزش و پرورش بین راننده زن و مرد یا خودروی پراید و سمند تبعیض قائل می شود، شاید یک خانواده بخواهد فرزندش را ترک موتور ببندد یا پشت وانت بگذارد و به مدرسه بفرستد و اصلا این موضوع چه ربطی به آموزش و پرورش دارد که به جای تغییر هزارباره محتویات کتاب ها و سیستم تحصیلی در سال جدید، نوع خودروی سرویس های مدرسه را تعیین می کند! ولی اگر اصل خبر را بخوانیم متوجه می شویم این تصمیم برای این گرفته شده که به دلیل ایمن نبودن، پراید دیگر نباید سرویس مدرسه باشد. ولی چون ممکن است خانم های راننده به دلیل مشکلات مالی نتوانند خودروی بهتری بخرند، فعلا برای آن ها اشکالی ندارد. شکی نیست که این مصوبه و روش تصویب اش اشکال دارد. اگر قرار باشد به خاطر امنیت جان مردم، قانونی بگذاریم ولی به دلیل مسائل مالی و ملاحظات دیگر برایش استثنا قائل شویم که همیشه یک جای کار می لنگد. مثلا بگوییم خوردن کباب کوبیده سیخی دو هزار تومان به دلیل داشتن سنگدان مرغ غیرمجاز است ولی اگر کسی میلتش کشید یا پولش نرسید، اشکالی ندارد هفته ای یک بار

و با پیاز زیاد بخورد! یا قانون بگذاریم که رد شدن از عرض خیابان برای عابران پیاده ممنوع است، مگر آن هایی که حال ندارند از پله های پل بالا بروند و یا عجله دارند زودتر به سرویس بهداشتی آن طرف خیابان برسند! یا تصویب کنیم سپرده گذاری در موسسات مالی مشکوک، غیرقانونی است، به جز آن هایی که سود خوبی می دهند و شعبه هایشان خوشگل تر است و رئیس هیئت مدیره شان آشناست! کلا اگر چیزی بد است، برای همه و در همه حالات بد است و تبصره و استثنا و اما و اگر ندارد، مگر این که قانون گذار دلش نخواهد یا زورش نرسد!

علیرضا کاردار

این کیه؟

مسابقه شماره ۵۱

سلام. درباره چهره پازل شده مسابقه این هفته مون، هیچی نمی گیم! بنابراین ازتون می خوایم دست به کار بشین و چهره کاریکاتوری این آدم معروف رو تشخیص بدین. روال مسابقه این جوریه که شما باید تشخیص بدین کاریکاتور به هم ریخته چاپ شده کیه و اسمش رو تا ساعت ۲۳ فردا پنج شنبه برای ما به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ پیامک کنید. جواب رو شنبه همین جا می بینید. بین کسانی که جواب درست رو بفرستن، قرعه کشی می کنیم تا یک نفر به عنوان برنده معلوم بشه. عکس و کاریکاتور برنده رو چهار شنبه هفته دیگه و با مسابقه بعدی، می تونید همین جا ببینید. عکس و کاریکاتوری هم که این جا می بینید، آقای «علی الهامی» از شهید برنده مسابقه هفته پیش هستند. پس تا شنبه منتظر جواب این کاریکاتور باشید و ما هم منتظر پاسخ های شما هستیم.



اعتراف می کنم



ایده و اجرا: صابری و مرادی

ماوشما

* عکس خوبی از «عادل» در دنیا به روایت تصویر چاپ کردین که این قدر به فوتبالیست ها گیر میداد! یک شوت می خواد بزنه، داره تلف می شه!
 * آقای «امیرحسین خوشحال»، آیا آن رباعی آخر شعر طنزت با نام «نحوه حرف زدن افراد مختلف در محل کار» را خودت می توانی بخوانی؟ ما هرچه زور زدیم نتوانستیم بخوانیم!

* مطلب «جلوی خمیازه تان را نگیرید» رو کاش همین استادان دانشگاه بخونن تا ما رو از کلاس به خاطر خمیازه بیرون نکنن!

* مرحله چهارم روش صحیح قورت دادن قرص رو انجام دادم، همه آب تو دهنم ریخت بیرون و فرش کیفی شد. مامانم بهم گفت: «خاک تو سرت کتن». من گفتم زندگی سلام نوشته بود، گفت: خاک تو سر اون ها هم بکنن. ببخشید دیدگاه!

* به اون زن زشت آمریکایی بگید که نگران نباش، هر وقت دو میلیون دلار غرامت رو از پدر و مادرت گرفتی، خودم باهات ازدواج می کنم.
 * مرزله سلام باید جواب بدی! جدا نمی دونم چرا این قدر رسانه ها تلاش دارن «حمید صفت» رو خواننده رپ معرفی کنن، در صورتی که هیچ کدام از رسانه هایی که از رپ و رپر حمایت می کنن، اصلا تا به حال آهنگ های ایشون رو پخش نکردن و فقط سایت هایی که آهنگ های پاپ رو منتشر می کنن ازش حمایت کردن. همدردی می کنم باهاش و امیدوارم گره از مشکلت باز بشه ولی چهره رو به اندازه کافی خراب جلوه دادن، خرابترش نکنید!

ماوشما: حالا چرا ما باید جواب بدیم؟
 * نوشته اید خزیدن مار دور منقار حواصیل، این جمله غلط است و باید می نوشتید: پیچیدن مار دور منقار حواصیل. فارسی را پاس ندارید.

* لطفاً در صفحه زندگی سلام درباره غذاها و میوه هایی که برای کتن خونی خوبه، توضیح بدهید.

* آخی، پیشی به این خوشگلی و نازی که در ستون «دور دنیا» زدین، چه طور دلشون میاد که بگن عصبانیه. من که پول ندارم و گرته می خریدمش.

* مگه اون آقایون این زن زشت آمریکایی رو ندیدن که بعد طلاق دادن؟ در ضمن بچه دار شدن از پدر و مادر زشتش شکایت کرده که چرا اون رو به دنیا آوردن؟
 * دختر کلم ملیحه جان، ۲۷ شهپرور سالروز تولدت را تبریک عرض می کنم. امیدوارم در همه مراحل زندگی سلامت و شاد و خندان باشی.

* من همیشه فکر می کردم این پیام های تبریک و دوستت دارم ها، چه قدر لوسه ولی با فداکاری های همسرم تو زندگی دیدم کمترین کاریه که می شه در مقابل بزرگیش انجام داد. همسر طیبه جان، برای همه فداکاری ها و لطفت به من و دو پسرمان «مهران» و «مهرداد» ازت ممنونم. خدا کنه تا مشکلاتم حل می شه، مثل همیشه کنارم بمونی و من بتونم دوست داشتم رو بهت ثابت کنم.